

پاستورالیسم*

طبیعت بگرد مقابل طبیعت مصنوع



مهسا حبیبی، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران
mahsa4habibi@gmail.com

منظر عمودی عبارتی است نو که مانند بسیاری از مباحث جدید دارای دو وجه تجاری و علمی است. بخش تجاری آن به لایه‌های سطحی طراحی داخلی و معماری دلالت دارد که به استفاده از گیاه در لایه بصری محدود است و در لایه‌های عمیق‌تر زاینده تفکری نوین و پیونددهنده حوزه‌های مشترک معماری، معماری منظر و طراحی شهری است. شماره ۳ مجله Architectural design سال ۲۰۱۳ که با عنوان پاستورالیسم نو^۱ منتشر شده از این تفکر نوین می‌گوید که درصدد اصلاح وضعیت شهرهای امروز به کمک منظر است. پاستورالیسم به دنبال برقرار کردن اتصال دوباره شهرها با عناصر طبیعی زمینه آن است. این رویکرد در تلاش برای درک طبیعتی است که روزی بستر زندگی شهری و انسانی بوده ولی امروز رشد بی‌رویه شهرها سبب گسست عمیق شهر از طبیعت و در پی آن جدایی انسان از ریشه‌های خود شده است. تفاوت میان پاستورالیسم با رویکردهایی که به نوعی سعی در بازگرداندن طبیعت به شهر دارند، در نوع برخورد با وضع موجود شهرهاست. طبیعت‌گرایان با بازسازی بخش‌هایی از طبیعت در میان شهر، پیوند میان شهر و طبیعت را برقرار می‌کنند. در رویکرد حاکم بر طبیعت‌گرایی متعارف، وجه مادی و عینی طبیعت که در اثر رشد مصرف‌گرایی در حال نابودی است، مورد توجه قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود از طریق افزایش کمیت طبیعت، کمبود آن جبران شود. حال آنکه در پاستورالیسم از پتانسیل‌های معماری و اجزای آن برای بازگرداندن طبیعت استفاده می‌شود. در این رویکرد، طبیعت به عنوان کیفیت مورد نیاز رشد انسان مورد توجه قرار می‌گیرد و تنها جنبه‌های کمی آن تأمین‌کننده خواست و نیاز انسان شناخته نمی‌شود.

ریشه‌های تاریخی پاستورالیسم

معنای لغوی پاستور^۲ عبارت است از چوپان و شبان. عبارت «پاستورالیسم» برگرفته از یک مکتب هنری به همین نام است که به بیان کیفیت‌های زندگی روستایی و بر پایه پیشه چوپانی در مقابل زندگی ماشینی شهری می‌پردازد. در واقع در ادبیات و هنر پاستورال، زندگی انسان در امتداد دوران طلایی^۳ تصویر می‌شود. دورانی که در آن طبیعت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و انسان در تعامل با طبیعت بکر و محیط اطراف خود به سر می‌برده است.

شهر معاصر و طبیعت

شرایط نابسامان زیست‌محیطی، حجم بی‌سابقه اطلاعات، گزینه‌های متفاوت برای انتخاب منش زندگی، دگرگونی بنیان خانواده و کاهش بی‌رویه فعالیت‌های بدنی در زندگی روزمره از ویژگی‌های دنیای امروز است. علاوه بر اینها، زندگی امروز سرشار از ایده‌های نو و متضاد است که انتخاب انسان را در بسیاری از موارد دچار سردرگمی می‌کند. در روند شهرنشین شدن انسان، طبیعت همواره منشأ الهام

هنرمندان بوده است. خلق آثار هنری بسیار در این زمینه، واکنشی نسبت به زندگی شهری بسته و چارچوب‌های آن است که طبیعت دور از دست انسان را پیش رو می‌نهد. محیط زیست و معماری دو مقوله‌ای هستند که می‌توانند انسان را در آغاز یک سفر جدید درونی کمک کنند. سفر به منظر اتصال دوباره به بخش‌های عمیق‌تری از خود ماست. حرکت به درون منظر حرکت به اعماق وجود است نه اتصال به دیگران و تفکرات آنها. این حرکت به اشتراک گذاشتن حس عمیق‌تر و قوی‌تری از «کیف»^۴ است که معماری برای نیل به اهدافی چون امنیت، دسترسی، اندازه‌گیری، مقیاس و قابل فهم بودن از این کیف صرف نظر کرده است.

پیشچیدگی بیش از اندازه مناظر طبیعی مانند کویر و جنگل در واقع بازتابی از ماهیت انسان است. انسان و این عناصر طبیعی پیشچیدگی‌های مشترکی دارند که فراتر از تفکر خطی و یکنواخت حاکم بر زندگی شهری می‌رود و این در حالی است که ما در زندگی شهری اسیر شده‌ایم. «مارک تیتمن» (Mark Titman) سردبیر مهمان مجله، معماران را موظف به کشف دوباره سودمندی‌های روانی و روحی عناصر طبیعی مانند جنگل، کوه، غار، ساحل، دره، مرداب و ... می‌داند. «لوبی کان» این بسترهای طبیعی را به عنوان پایه و اساسی برای ذهن معمار که طراحی براساس آنها ضروری است، می‌شناسد. ادراک منظر و ارتباط با آن برای قرن‌ها زمینه‌ای شکل‌دهنده به فرهنگ بشر بوده است.

پاستورالیسم، نقش دوباره طبیعت در شهر

پاستورال را به گونه‌ای می‌توان از جنس عناصر دانست؛ عنصری که اجزای می‌دهد ارتباط میان اضداد، هارمونی و هماهنگی میان دوراهی‌ها برقرار شود و شیوه‌ای فرح‌بخش برای تعامل شهر و منظر بکر است. مارک تیتمن پاستورال را میانه‌دار و میانجی می‌نامد. میانجی ترکیب‌های متضاد و دوقطبی روستا - شهر، فناوری پیشرفته - عقب‌مانده، انسان - ماشین، خردگرایی - رمانتیسیسم، میکرو - ماکرو و نهایتاً درون و بیرون. پاستورال می‌تواند تعادل میان این دوگانگی‌ها را برقرار کند؛ تمایز میان ماشینی و ارگانیک و نگران بودن و اهمیت‌دادن را روشن می‌کند. یک معمار پاستورال به طبیعت و نیازهای انسان اهمیت داده و آن را دستمایه طراحی خود قرار می‌دهد، در حالی که بیشتر معماران زیست‌محیط یا سبز به واسطه ترس از نگرانی‌های زیست‌محیطی و نقایص مصرف‌گرایی به طراحی می‌پردازند. در این میان اصول سه‌گانه ویتروویوس شامل ایستایی، آسایش و حظ (Delight) که از آن به زیبایی نیز تعبیر می‌شود به طور کامل بار دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. با آنکه مدت زمانی طولانی است که معماران از توجه به اصل سوم غافل شده‌اند اما تمناهای دوباره بشر برای طبیعت در ضمیر خود، برآمده از این اصل طراحی است. اما در زندگی امروز انسان شهرنشین، این طبیعت به ناچار طبیعت مصنوع خواهد بود.

اهمیت‌دادن بیش از حد به نماهای شهری و نمایش منحصر به فرد تکنولوژی در آنها در واقع، جلوه‌ای از خصومت ماشینی است. در دوران باستان، نما به عنوان فصل مشترک تعامل انسان و منظر و سطحی با قابلیت تغییر بود که انسان را بر آن می‌داشت تا با خلق فضا، ابزار و ذهن خود را تکامل بخشد. امروز این سطح مشترک ناپدید شده و قابلیت تعامل نیز به تبع آن از بین رفته است. بازگرداندن منظر به شیوه پاستورال، امکان تکامل و تغییر را به ما بازمی‌گرداند. روایت‌های متضاد، زمینه‌ها و شخصیت‌ها می‌توانند در دیالکتیک پاستورال به هم پیوندند. طراحی با این دوگانگی‌ها و روایت‌های خاکستری چندوجهی می‌تواند هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و معماری عمیق‌تر و غنی‌تری را به دنبال بیاورد. در این راه، استفاده از ساختارهای زنده در معماری هم مهم می‌شود. تلاش برای بازسازی اکوسیستم‌های موجود و به کار بردن عناصر طبیعی در فرایند طراحی و ساخت، ایده‌آل‌های آینده پاستورالیسم محسوب می‌شوند.

گذر از معماری سبز به شهر انسانی

امروز که ایده‌های دهه ۱۹۹۰ در مورد پایداری، ساختمان‌های سبز و کاهش مصرف انرژی و سوخت‌های فسیلی محقق شده است، معماری سبز می‌تواند گام را فراتر نهد. پاستورالیسم با محوریت انسان در راه کشف دوباره طبیعت، معماری را به عنوان هدف والای تمدن شهری در دو بعد ذهن و کالبد تفسیر می‌کند.

این آرمانشهر در حال شکل‌گیری، معماران را بر آن می‌دارد تا خود را دوباره ارزیابی کنند و پایداری را نه به عنوان یک هدف بلکه به عنوان یک وسیله جهت تحقق کیفیت‌های مجرد، ذهنی، اجتماعی و در عین حال برآورنده نیازهای کالبدی و فیزیکی در نظر گیرند.

اقبال انسان امروز به طبیعت از طریق معماری سبز در تقابل با نگرانی‌های بشر در از دست‌دادن محیط زیست و به منظور جبران مصرف‌گرایی مفرط قرن حاضر است. این رویکرد که به نوشته مارک تیتمن عکس‌العمل محتاطانه و ناشی از ترس بشر در حذف محیط زیست، مصرف‌گرایی مفرط و زندگی در فضایی مصنوعی است، بر وجه عینی طبیعت تأکید می‌کند و راه مقابله با آن را در توسعه کمیت‌گرایی طبیعت معرفی می‌کند. این طبیعت دارای ویژگی ذهنی نیست. در مقابل پاستورالیسم پاسخ جدیدی به دور افتادن زندگی امروز بشر از طبیعت است. به موجب این نگرش، که در نامگذاری آن نیز درج شده است، کمیت طبیعت، تنها گمشده محیط زندگی انسان نیست، بلکه جنبه معنایی و الهام‌بخش طبیعت نیز نقش مهمی در زندگی انسان دارد که قابل جایگزینی نیست. از این‌رو کمیت طبیعت به تنهایی جبران این کمبود را نمی‌کند و پاسخ در نوع طبیعتی است که در محیط زندگی انسان وارد می‌شود. پاستورالیسم با اشاره به طبیعت بکر، انطور که

Wild Nature against Artificial Nature

Pastoralism

تصویر ۱: گرایش طرح‌های آینده‌گرایانه به سوی بازسازی محیط‌های طبیعی در بستر مصنوعی و در غالب باغ عمودی، طرح بوسکوورتیکال، اثر استفانو بوئری، ۲۰۱۱، مأخذ: www.archdaily.com

Pic1: The futuristic designs inclination toward rebuilding the natural environments in artificial context in the form of vertical gardens, Stefano Boeri, BoscoVerticale, Milan, 2011, Source: www.archdaily.com.

Mahsa Habibi, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran./mahsa4habibi@gmail.com

Vertical landscape is a new term alike other new subjects which offer both commercial and scientific functions simultaneously. The commercial side is surface which includes interior designs and architectural green walls limited to visionary layers. The deep scientific part comes from new concepts which connect commonly possessed areas in architecture, Landscape and Urban design. The 3rd Architectural Design Magazine of 2013 is published with title of "The NEW Pastoralism: Landscape into Architecture" which talks about new movements that make efforts on modifying the today situation of cities. The new pastoralism seeks to rebuild the lost affiliations between cities and contextual natural elements. New pastoralism is an endeavor to percept the notion of nature which once was the contest of human life and urban life which has been neglected through uncontrolled city developments. The difference between other approaches and scholarly thoughts which try to reconnect human and nature is in their point of considering current situations of cities. Naturalists try to erase possible parts of the city and rebuild the natural past elements while NEW Pastoralism uses cities elements to enhance this current situation. Any scene in the city can be noted as a landscape which reminds us of the nature even if it is artificial. New pastoralism celebrates newfound conviviality in the city through landscape. This report considers the general aspects of the approach.

Endnote

*. This article is based on Architectural Design magazine (No 3- May 2013) which depict general features of a new approach named "New Pastoralism".



تفاوت میان پاستورالیسم و رویکردهایی که سعی در بازگرداندن طبیعت به شهر دارند، در نوع برخورد با وضعیت موجود شهرهاست. در رویکرد طبیعت‌گرایی، وجه مادی و عینی طبیعت، مورد توجه قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود با افزایش کمیت طبیعت، کمبود آن جبران شود. پاستورالیسم، با اشاره به طبیعت بکر، طبیعت را به عنوان کیفیت مورد نیاز رشد انسان مورد توجه قرار می‌دهد و تنها جنبه‌های کمی آن را تأمین‌کننده خواست و نیاز انسان نمی‌شناسد.

چوپانان درک می‌کنند، نگرش خود را به عنوان رویکردی نو به طبیعت بکر در مقابل طبیعت مصنوعی تئوریزه کرده است. اما رویای پاستورال نمی‌تواند به سادگی رضایت‌بخش باشد. فانتزی دراماتیک و در عین حال عملی و خوش‌بینانه پاستورال، که ذهن تک‌بعدی و سرد مدرنیسم را نفی می‌کند، برای کاهش ضعف و انزوای ما در دنیای نابسامان امروز، بیشتر از هر چیز مورد نیاز است. سختی‌های زندگی روستایی دلیل شهرنشینی اکثر مردم است. اما اسطوره پاستورال باقی می‌ماند تا نوستالژی شهری را زنده کند و امید بخش یافتن ارتباط با طبیعت گمشده زندگی شهری باشد.

پی‌نوشت

- ۱. این نوشتار برگرفته از مجله Architectural Design (شماره ۳ - می ۲۰۱۳) است که به بیان ویژگی‌های کلی رویکرد پاستورالیسم می‌پردازد.
- ۲. Vertical Landscape
- ۳. New Pastoralism
- ۴. Pastor
- ۵. Golden Age
- ۶. QUAL